

دیوان حافظ

بر اساس نسخهٔ خلخالی (۸۲۷ ق)

و مقابله با

نسخهٔ بادلیان (۸۴۳ ق) و پنجاب (۸۹۴ ق)

و مطابقه با

هشت نسخهٔ موثق چاپی

با تجدید حروفنگاری و افزایش اصلاحات
و تعلیقات و مقدمهٔ جدید به انضمام کشف الابیات

به کوشش

بهاءالدین خرمشاهی



انتشارات دوستان

الا يا ايها الساقى اذِرْ كَأْساً و ناولها
 به بوى نافه‌ای کا آخر صبا زان طره بگشاید
 مراد در منزل جانان چه امن عیش^۱ چون هر دم
 به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
 شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
 همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر^۲
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها
 جرس فریاد می دارد که بر بندید محملها
 که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها
 کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها
 نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها

حضورى گر همى خواهى ازو غایب مشو حافظ

متى ما تَلَقَّ مَنْ تَهْوَى دَعِ الدُّنْيَا وَ أَهْمِلْهَا

بادلیان:
 نسخه عکسی محفوظ در کتابخانه ملی ایران که از روی نسخه بادلیان تهیه شده است، این غزل را ندارد. نقص از
 نسخه عکسی است، نه از اصل.
 پنجاب:
 ۱. امن و عیش ۲. آری